آینه

ایران

سرنگونی فواره «فشارحداکثری»

● وقتی ترامپ در کنار شینزو آبِ ایستاد و گفت هیچ چیزی به جز حصول اطمینان از ساخته‌نشـدن سلاح هسـته‌ای توسـط ایران نمی‌خواهد، در واقع چیزی فروریخت: پروژه‌ای که آمریکا آن را «فشار حداکثری» نامیده بود و به‌همراه آن زیرپروژه‌ای که بولتون و«تیم ب» در ذیل آن «فشـار» دنبال می‌کردند... حضور آبِ در ایران در یک فضای سرشـار از صمیمیت و تفاهم بر سـر صلح منطقـه‌ای و امنیت جهانی نشـان داد کـه ژاپن به چیزی بیـش از نمایش «عکس مذاکره» می‌اندیشـد. به این لحاظ سخنان آبِ در تهران بیش از آنکه جنبه «میانجیگری» داشته باشد، دغدغه‌های حقیقی خود ژاپن در قبال رویکرد غیرمسئولانه ترامپ به امنیت جهانی را به نمایش می‌گذاشت: تأکید آبِ بر فتوای رهبری معظم انقلاب اسلامی در تحریم سلاح هسـته‌ای از سویی یادآور ارجاع مکرر اوباما به همان فتوا بود که صراحتا آن را موجب «بامعنا کردن توافق هسـته‌ای» و لذا «کمک ایران به ارتقای سطح امنیت جهانی» می‌دانست... .

جوان

اما به شما می‌گویم...

● **عبدالله گنجی:** از دو ماه پیش تلاشـی مضاعف برای شـرطی‌کردن ملت ایران به سـفر نخست‌وزیر ژاپن شروع شـده بود و تحلیلگران، فضای بیم‌وامید را بـه انحای مختلف تصویر کردنـد... رهبر انقلاب با هوشمندی شأن و شـخصیت میهمان را با دو محور حفظ کردند؛ اول اینکه «بنده ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و پیامی برای او نخواهم داشت، اما به شما می‌گویم». گزاره «به شما می‌گویم» یعنی لازم اسـت فرستاده نیز پیام ما را بشنود و خودش نیز محترم شـمرده شود و این‌چنین فرسـتنده نیز بدون دریافت پاسخ، پاسـخ خود را دریافت کرد. نکته دوم اینکه حساب نخست‌وزیر ژاپن را از ترامپ جدا کردند که «در جدیت و حسـن نیت شما شـکی ندارم»، اما شما حامل پیام یک نااهل هستید. مقام معظم رهبری در پنج محور ضمن ارائه پاسـخ بـه ترامپ، با همان محورها ثابـت نمودند که چرا پاسـخ نامه ترامپ و درخواسـت‌های وی را رد می‌کنند. توضیحات آبِ از پیام ترامپ پنج محور داشت و پاسخ هر پنج محور به نخست‌وزیر ژاپن داده شد، اما نخست‌وزیر، آن دلایل را نه جواب نامه بلکه دلایل عدم پاسخ به نامه برداشت کرد. بدین‌صورت ما پاسـخ ترامپ را به نخسـت‌وزیر ژاپـن داده‌ایم و به‌صورت طبیعی ترامپ هم پاسـخ را شنیده اسـت و ادامه تصمیمات سیاسی‌اش بدون توجه به پاسـخ مـا نخواهد بود. ما پاسـخ ترامپ را داده‌ایـم، اما نه به رسـم دیپلماتیک و حقوقی، بلکه پاسـخ را در قالب «چرا پاسـخ نمی‌دهیم» داده‌ایم و آقای نخست‌وزیر به روش اسـتدلالی این پاسخ‌ها را شنیده است... .

کیهان

چرا ترامپ لایق جواب نیست؟

● ...آخرین تلاش او [ترامپ] در این زمینه فرستادن نخست‌وزیر ژاپن به تهران بود تا به خیال خود تهران را پای میز مذاکره بیاورد... نکته دوم به پاسـخ رهبر انقـلاب برمی‌گردد کـه ترامپ را لایـق مبادله پیام نیز ندانسـتند، چه رسـد به مذاکره. امـا چرا ترامپ لایق تبادل پیام هم نیسـت؟ ترامـپ تکبر و نخوت سیاسـت‌مداران آمریکایـی را به اوج خود رسـانده اسـت... چنین شخصیتی بی‌شـک لایق مبادله پیام نیسـت... ترامـپ در ادعایی دیگر گفته اسـت که مذاکره با آمریکا موجب پیشـرفت ایران می‌شـود. این‌هم از جنس همان ادعای مضحک پیشین است. مشـکل ترامپ این است که چندسـالی دیر آمده و زود هم می‌خواهد برود! شـش سال پیش این ادعا را یک بار به ایران فروختنـد و عده‌ای هم آن را باور کردند... نحوه پاسخ رهبر انقلاب به آقای آبِ درباره پیام ترامـپ واجد نکتـه‌ای مهم و کلیدی اسـت. ایشـان می‌توانستند پاسخی تند به او بدهند و همان مواضع محکمی را که درباره آمریکا در مکالمه با آبِ گفته‌اند، خطاب به ترامپ بگویند. پرهیز از این مسئله و تاکیـد بر اینکه «مطالبی را که بیان خواهم کرد، در چارچوب گفت‌وگو با نخست‌وزیر ژاپن است»، یعنی بسـتن عملی پرونده مذاکره با آمریکا به هر نحوی؛ اعم از مستقیم، محرمانه و یا باواسطه.

آرمان

آمریکا ببر کاغذی است

● مائـو می‌گفت آمریکا ببر کاغذی اسـت. آیا واقعا چنین است؟ بعضی اقدامات رؤسای جمهور آمریکا در حاکمیت دموکرات‌ها و همین‌طور جمهوری‌خواهان طی سـال‌های اخیر به ظاهر مؤید این شـعار است. اوباما می‌گفت اگر سوریه از خط قرمز عبور کند آمریکا به آن کشور حمله می‌کند. دیدیم که در عمل این‌گونه نشـد، تهدید قبلی کاهـش پیدا کرد و تعدیل شـد، حمله‌ای هم صورت نگرفت. در قضیه اشغال کریمه توسط روسـیه هم واکنش سیاسـت خارجی آمریکا محدود به تحریم چند قلم کالا شـد. درخصوص کره شـمالی هم دیدیم که... حتی یک گلوله هم شلیک نشد...مقایسه این اسـتراتژی و تاکتیک‌های پیامد آن، این پرسش را پیش آورده که آیا جنگ‌های افغانستان و عراق که با فاصله معناداری از شکسـت آمریکا در ویتنـام رخ داد، ایـن غول نظامی را مرعـوب کرده و دندانش را کشیده است... .

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگو با مصطفی تاجزاده درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی

اکنون چه باید کرد؟

ترامپ می‌خواهد بدون جنگ ایران را در مسیر فرسایش قرار دهد

مهرشاد ایمانی: مشکلات این روزهای ایران و نسبت آنها با دولـت را می‌توان به دو بخش تقسـیم کرد؛ نخست مشـکلاتی که نتیجه سیاسـت‌های نابهنگام دولـت بوده‌اند و دوم بحران‌هایی کـه در پی خروج آمریکا از برجام ایجاد شد و عملا از اختیار دولت خارج بود. دولت حسن روحانی اگرچه در شش سال گذشته توانسته به دسـتاوردهای مثبتی نائل شـود، اما به اندازه‌ای که در حوزه سیاست خارجی به توفیق رسید، نتوانسـت در حوزه سیاسـت داخلی مؤثر عمل کند. آنچه ما در گفت‌وگو با مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، ارزیابی کرده‌ایم، این است که برای رفع مشـکلات داخلی و خارجی در مقطع کنونی چه باید کرد؟ تاجزاده باور دارد در حوزه داخلی، اصلاح قانون اساسی مهم‌ترین ضرورت است و در زمینه خارجی نیز اگرچه مقامات آمریکا به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند، هنوز می‌توان به عنصر دیپلماسی امیدوار بود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

عکس: سهند تاکی، شرق

مشـکلات این روزهای ایران را شـاید بتوان ناشـی از نقایص موجود در سیاسـت‌ورزی‌های داخلـی و بحران‌هـای بین‌المللی دانسـت که بخشـی از آن را می‌توان کنترل کرد و بخشـی نیز کنترل‌نشدنی هسـتند. در بحث تصمیمات بهنگام و نابهنگام، بفرمایید به‌طور مشخص در دو دولت آقای روحانـی چه رویکردی باید اتخاذ می‌شـد که شـرایط کنونی پدید نمی‌آمـد و اکنون نیز چه سیاسـت‌هایی می‌تواند ایـران را از بحران‌های کنونی خارج کند؟

اوضاع این روزهای ایران سـخت است و کسی در این موضـوع تردید ندارد. آمریکا قصـد دارد فروش نفـت ایران را به صفر برسـاند و تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کند که در زمان جنگ هم سـابقه نداشته است. از سوی دیگر، در داخل نیز با مشکلاتی مواجه هستیم. در چنین وضعیت ابهام‌آلودی معلوم نیست جنگی دربگیرد یا هرج‌ومرج شـود یا آنکه به همین منوال تحریم‌ها ادامه یابد؛ در واقع نوعی سرگشتگی بر جامعه و سیاست حاکم است. به نظر من در مقطع کنونی، روش‌های جاری سیاسـت‌ورزی پاسـخ‌گوی نیازهای زمانه نیسـت و به راهبـرد جدید و برقراری مناسبات تازه نیاز داریم. اگر رویکرد خود را در عرصه سیاست اصلاح نکنیم، درگیر مشکلاتی جدی خواهیم شد؛ برای مثال، جناح اصلاحات باید قبول کند شرکت در انتخابـات با رویکـرد رقیب‌هراسـی دیگر نتیجه پذیرفته‌شده‌ای به ارمغان نمی‌آورد. بسیاری از مردم دیگـر برای رأی‌نیاوردن فلان فرد، بـه نامزد رقیب او رأی نمی‌دهند. از سـوی دیگر، افرادی که به مجلس وارد می‌شـوند، اختیارات لازم را برای پیشبرد برنامه خود ندارند و مجلس در مقام یگانه مرجع قانون‌گذار به یک معنا وجود ندارد. برای رفع این معضل بزرگ، ضـرورت دارد اختیار و مسـئولیت در یک جا متمرکز شود. اگر این دو باهم جمع شوند، در آن صورت کسی نمی‌تواند بگویـد اختیار ندارم، امـا وقتی به موازات دولـت و مجلس قانونـی، نهادهـای دیگر تصمیم می‌گیرند نمی‌تـوان منتخبان مردم را پاسـخ‌گو کرد. به بیان دیگر، بعد از یکسـان‌کردن اختیارات و وظایف نهادهای عمومی و دولتی، می‌توان مسئولان را وادار به پاسـخ‌گویی کرد. خلاصه آنکه باید رویه کنونی را تغییـر داد، اما نه به معنای آنکه نیرویی به‌جز همین مردم سـاختارها را اصلاح کنند. پـس باید با نگاهی مشارکت‌جو و دموکراتیک، راه ورود تمام نیروها را به عرصه تصمیم‌گیری باز کرد. باید بپذیریم این جامعه متشکل از نیروهای اصلاح‌طلب، اصولگرا و میلیون‌ها شـهروندی اسـت که احتمـالا نـه اصلاح‌طلبان و نـه اصولگراها را قبـول ندارند. باید همـه نیروها و گرایش‌ها را به رسمیت بشناسـیم و اجازه و فرصت بدهیم آنها نیز وارد عرصه رقابت‌های سیاسی شوند.

شـاید بتوان بخش مهمی از مشکلات دولت حسن روحانی را غیرارادی دانست؛ زیرا در حوزه سیاسـت خارجی، اگر آمریـکا در برجام می‌ماند، دولـت هم درگیـر بحران‌های متعدد نمی‌شـد. البته این نگاه هم وجـود دارد که دولت خود نیز نتوانسـت از عهده مدیریت سیاسـی و اقتصادی برآید. کدام‌یک از این دو نگاه بیشتر صادق است؟

مهم‌تـر از هـر دو مسـئله یادشـده، مشـکل در ساختارهاست. این معضل راه را بر هر رئیس‌جمهوری می‌بندد.

راه‌حل چیست؟

مهم‌ترین راه‌حل، اصلاح قانون اساسی است؛ زیرا ساختار کنونی پاسخ‌گو نیست. در انتخابات، در مرحله نخست، نامزدهای تأثیرگذار حذف می‌شوند و بعد از آنکه نامزدهای ردیف دو یا حتی سـه تأیید صلاحیت و وارد مجلـس می‌شـوند، آن‌قدر از اختیـارات آنها می‌کاهند که عملا نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. در حقیقت با وجـود نهادهای موازی، فعالیت منتخبان اجرائـی و قانون‌گذاری به شـکل روزافزونی محدود می‌شـود. فضای فعالیت‌ها نیز روزبـه‌روز محدودتر می‌شود؛ نه‌فقط برای اصلاح‌طلبان، بلکه روند حذف اصولگرایان مسـتقل و معتدل را هـم دربر می‌گیرد. وقتـی مجلس از انجـام وظایف ذاتی خـود ناتوان می‌شود، برخی از شـهروندان نیز رغبت به رأی‌دادن را از دسـت می‌دهند. این در حالی است که راه‌های برون‌رفت از بحران‌های کنونی، هم در سـطح ملی و هم بین‌المللی، در دسـترس است و آن این است که تمام نیروها با هر تفکری در انتخابات شـرکت کنند و بعد از انتخاب‌شـدن، با اختیارات روشن و متناسب به قانون‌گذاری بپردازند و درباره مسـائل مختلف کشور تحقیق و اظهارنظر کنند.

بخش عمده سـخنان شـما مربوط به حوزه اجرای قانون اساسی اسـت؛ در حقیقت آن‌طور که من متوجه شدم، شـما بیش از آنکه به قانون اساسی انتقاد داشته باشـید، به اجرانشدن کامل و واقعـی اصول این قانـون نقد دارید. شـما با پیش‌فرض توسـعه مـوارد دموکراتیک از اصلاح قانون اساسی سخن می‌گویید؛ درصورتی‌که شاید نه‌تنها این پیش‌فرض محقق نشـود، بلکه همین وضع موجود نیز خدشه‌دار شـود. آیا بهتر نیست به‌جای اصلاح بر اجرای قانون اساسی تأکید کنیم؟

اگر این‌طور اسـت که شـما می‌گویید چرا تاکنون قانـون اساسـی را بـه نفـع تفکرات خـود اصلاح نکرده‌انـد؟ چـرا ایـن کار را نمی‌کننـد؟ زیـرا تأیید اصلاحـات قانون اساسـی احتیاج به همه‌پرسـی و رأی مردم دارد. اگر بخواهند اصلاح آن را به سـمت بسـته‌ترکردن فضا هدایت کنند، ممکن است اکثریت بـه آن رأی ندهند. به همیـن دلیل برخی جریان‌ها با اصلاح قانون در حال حاضر مخالفت می‌کنند.

مثلا مجمع تشـخیص مصلحت نظام از حیث قانون اساسـی در مقام قانون‌گذاری نیسـت اما مدتی اسـت که به نوعی به نهادی شبه‌قانون‌گذار تبدیل شده است. ممکن است برخی به این روند اعتراض کنند اما آن اعتراض بـه حوزه اجرا و نه قانون‌گذاری مربوط می‌شود.

بله درسـت اسـت اما همـه این مـوارد باید در بازنگـری قانـون اساسـی اصلاح شـود تـا امکان بهره‌برداری از آن به حداقل ممکن برسـد. اگر چنین مشـکلی ایجاد شـده به دلیل آن اسـت که حدود و ثغور اختیارات و مسئولیت‌ها در حال حاضر با نوعی تداخل مواجه شده است.

شما بر عنصر رأی مردم تکیه می‌کنید اما مردم یک مفهوم ثابت و لایتغیر نیست و ممکن است در دوره پیش از بازنگری تبلیغات رسـمی به گونه‌ای پیش بـرود که برای عموم مـردم تمییز صواب از ناصواب سـخت شـود؛ مثلا وقتی آقای روحانی بحث رفراندوم موضوعی مثـل FATF را مطرح کرد، برخی کارشناسـان می‌گفتنـد این موضوع تخصصی است و این احتمال وجود دارد که با یک پروپاگاندای رسـانه‌ای همان چیزی از صندوق آرا بیرون آید که مخالفان FATF می‌خواهند. یا موضوع نظام پارلمانی هم قابل دفاع و هم قابل نقد اسـت و در فضایی که امکانـات رسـانه‌ای به صورت عادلانه توزیع نشـده است شاید تبیین همه‌جانبه برای مردم سخت باشد. اصلا با عنصر مـردم پیش برویم؛ آیا ایـن اطمینان وجود دارد که مردم بتوانند تشـخیص درستی بدهند و وضع قانون اساسی را بهبود بخشند؟

مردم آگاه یا نـاآگاه و ثابت‌قـدم صاحبان اصلی کشورند و رأی و خواست آنها باید حرف اول را بزند اما آنچه اخیرا درباره نظام پارلمانی گفته می‌شود، دقیق و کارشناسـی نیسـت. نظام پارلمانی شـبیه به مدل انگلستان است که وقتی مردم به نمایندگان مجلس رأی می‌دهنـد در واقع می‌دانند که همـان زمان به نوعـی نخسـت‌وزیر و دولت را هم تعییـن می‌کنند؛ یعنی به‌طور مشخص لیدر حزب اکثریت نخست‌وزیر می‌شـود اما با سـازوکار انتخابات در ایران، مجلس نمایندگـی همه مردم را برعهده ندارد. اگر سـازوکار انتخاباتی تغییر کند، می‌شـود دربـاره ابعاد مثبت و منفی نظام پارلمانی بحث کرد اما در شـرایط کنونی انتخاب رئیس‌جمهور توسـط مجلس وضع را بدتر و شکاف بین اختیارات و مسئولیت را بیشتر می‌کند. پس قبل از هر بحث و هر تغییر و تحولی باید مدل نظارت اصلاح شود؛ از سوی دیگر شاید پنج سال پیش سخن شـما درسـت بود و با یک جو و فضاسازی رسانه‌ای نظر مردم آن چیزی می‌شـد که کانون‌های تبلیغاتی می‌خواسـت اما اکنون با توجه به مشکلات جامعه و نیز با توجه به رشد آگاهی مردم، تغییر قانون اساسی در جهت محدودیت تقریبا ناممکن اسـت و با ریسک بسیار بالایی همراه است.

دومین محـور مورد بحث سیاسـت خارجه است. علاوه بر ساختارهای سیاسی ما در مناسبات خارجی هم باید به یک خوانش مشترک برسیم تا بتوانیم از بحران‌های فعلی گذر کنیم. شما همواره مدافع گفت‌وگو بوده‌اید و از ابتدای کار دولت آقای روحانی از سیاسـت خارجه دسـتگاه دیپلماسی حمایت کردید اما پـس از خروج آمریکا از برجام، اصولگرایان و حتی بخشی از اصلاح‌طلبان نسبت به گفت‌وگو با کشـورهای غربی و خاصه آمریکا با چشم تردید نگریسـتند. فضای کلی این روزهای سیاسـت خارجه را چطور ارزیابی می‌کنید؟ برای برون‌رفت از مناقشات فعلی چه باید کرد؟

در سیاست خارجی اصل بر مذاکره و دستیابی به تفاهم است مگر خلافش ثابت شود. حتی در وضعیت جنگ هم نباید راه‌های مذاکره را به‌طور کامل بسـت اما در شـرایط کنونی من به مذاکره مشروط با دولت آمریکا و حتی شـخص ترامپ معتقدم. بر این اساس باید با پذیرش اصل مذاکره نسبت به رفتار آمریکایی‌ها عکس‌العمل نشان دهیم. اما در شـرایط کنونی من به مذاکره مشروط با دولت آمریکا و حتی شخص ترامپ معتقدم. بر این اساس باید با پذیرش اصل مذاکره نسبت به رفتار آمریکایی‌ها عکس‌العمل نشان دهیم. نباید اجازه داد ترامپ هم کشـورمان را تحریم کند و هم به منطقه لشکر بکشد و بعد بگوید آماده مذاکره اسـت. میز مذاکره را ترامپ ترک کرده و در عین حال پرچم مذاکره را هم در دسـت گرفته است. ایران باید به جای نفی مذاکره بر این موضوع تأکید کند که کسی که میز مذاکره را ترک کرد، ترامپ است و اگر او واقعا خواستار گفت‌وگو با ایران است، به برجام برگردد. در آن حالت جمهوری اسـلامی بلافاصله مذاکرات را از همان نقطه‌ای که قطع شـده، آغـاز خواهد کرد. اگر ترامپ تلفـن می‌دهد ما هم تلفـن بدهیم. موافقم که مـا ابتدا نبایـد به او زنـگ بزنیم زیـرا القاکننده ضعف ایران اسـت اما می‌توان گفت هر که تمایل به مذاکره دارد، این شماره ماسـت؛ زنگ بزند. اگر ایران بخواهد به سـمت لغو تحریم‌ها حرکت کند، باید به تنش‌زدایی بپردازد و تنش‌زدایی میسـر نیسـت مگر با دیپلماسـی قوی و پایبندی به اصول معقول و جهان‌پسـند. ما اکنون با کشـورهایی مانند چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان مذاکـره می‌کنیم و هیچ امتیازی نمی‌دهیـم مگـر آنکـه امتیاز مشـابهی را بگیریم. افزون بر آن ما با تکیه بر نقـاط قوت خود و نه درباره آنهـا مذاکره می‌کنیم. ببینید ما با تک‌تک کشـورها هم منافع مشـترک و هم اختلافات مهمـی داریـم؛ مذاکره‌کـردن یک ضـرورت اسـت و می‌تواند و بایـد از موضع اقتدار و نه ضعف انجام شـود و با وجود تمام اختلاف‌ها کوشـید و درمورد یک موضوع مشـخص به نتیجه رسید. پس در جمهوری اسلامی لازم است ما به سمت مذاکره به منظور لغو تحریم‌ها برویم؛ اگر شرایط مهیا بود، مذاکره مستقیم و اگر نبود غیرمستقیم و از طریق واسطه‌ها گفت‌وگو شود و باید از این طریق ترامپ را در تنگنای بیشتری قرار داد.

> در سیاست خارجی اصل بر مذاکره و دستیابی به تفاهم است مگر خلافش ثابت شود. حتی در وضعیت جنگ هم نباید راه‌های مذاکره را به‌طور کامل بست اما در شرایط کنونی من به مذاکره مشروط با دولت آمریکا و حتی شخص ترامپ معتقدم. بر این اساس باید با پذیرش اصل مذاکره نسبت به رفتار آمریکایی‌ها عکس‌العمل نشان دهیم

چندی پیش آقای موسـویان مطـرح کرد که آمریکا یک‌سـری سیاست‌های کوتاه‌مدت تا پایان دولـت اول ترامپ در نظر دارد که بر آن اسـاس با جنگ تبلیغاتی جا بیندازد که ایران اهل مذاکره نیست، با جنگ اقتصادی ایران را تحت فشار قرار دهد و با جنگ سیاسـی ایران را در عرصه جهانی یک کشـور منفور معرفی کند و اگر این سیاست‌ها آمریکا را به نتیجه دلخواه نرساند، تیم «B» تمایل دارد ترامـپ را به حملات محـدود نظامی وادار کند. حال در شـرایطی که اسـرائیل یکی از ارکان تصمیم‌گیری دولت ترامپ است، آیا مذاکره، ولو موردی با آمریکا امکان‌پذیر است؟

ترامـپ درحال‌حاضر نیاز ندارد بـا ما وارد جنگ شـود، زیرا تصور می‌کند تحریم‌ها به مراتب بیش از جنگ ایران و ایرانی را تحت فشار گذاشته و می‌گذارد. ترامپ فکر می‌کند اگر فـروش نفت ایران را به صفر برساند، دولت جمهوری اسـلامی حتی در پرداخت حقوق کارمندانش هم دچار مشـکل خواهد شد؛ از سـوی دیگر اگر صادرت نفت کشورمان به صفر میل کند، ممکن است کشـورهای جنوبی خلیج‌فارس در صادرات نفت با مشـکل و مانع مواجه شوند؛ چنین حالتی طبل جنـگ را به صدا درمـی‌آورد. به‌عبارت روشـن اگر جنگ نفت‌کش‌ها اتفـاق بیفتد، احتمال وقـوع جنگ نظامـی افزایش خواهد یافـت. در این مرحلـه ترامپ می‌خواهـد ایران را بـدون جنگ در مسـیر فرسایشی و فشار قرار دهد. پس باید برای لغو تحریم‌هـا راهبرد مناسـبی اتخاذ کـرد؛ تحریم‌هایی که روزبه‌روز شـدیدتر خواهد شـد و فشار بیشتری به مـردم، به‌خصوص قشـرهای محروم و آسـیب‌پذیر تحمیل می‌کند. بعضی می‌گویند کره شمالی مذاکره کرد و نتیجه نگرفت. من می‌گویم کره شمالی نه‌تنها ضرر نکرد، بلکه سـود برد؛ کشـوری که بیش از ۵۰ سـال متهم و منزوی بود، ناگهـان چهره بین‌المللی خـود را ترمیـم کرد. نتیجـه مذاکره کره شـمالی با آمریکا مخدوش‌شـدن چهره ترامپ بود، نه مقامات کره‌شـمالی، زیرا افـکار عمومی حکـم به بدعهدی آمریکا می‌دهـد. بله؛ خط قرمز جمهوری اسـلامی به‌رسمیت‌نشـناختن اسـرائیل اسـت، اما می‌توان و بایـد درباره مسـائل مختلف به شـمول موضوعات اختلافی با کشورهای قدرتمند دنیا مذاکره کند. ببینید مسـلمانان در چین در فشار بسیار قرار دارند و موضع ما حمایت از مسـلمانان اسـت، اما بـا حفظ همین موضع همـواره درباره مسـائل و منافع خود با چین مذاکره می‌کنیم و مشکلی هم ایجاد نمی‌شود.

برای دولتی مانند ترامـپ که بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌هایش توسـط سران اسرائیل تعیین می‌شـود، آیا با چنین وضعیتی واقعا می‌توان به راحتی گفت‌وگو کرد؟

به راحتی نه، اما می‌شود. بسیاری از کشورهایی که بعد از تأسـیس اسرائیل آن را به رسمیت نشناختند و برخی هنوز نمی‌شناسند با آمریکا رابطه حسنه دارند. بـه یاد دارید نتانیاهو مهم‌تریـن مخالف برجام بود و تمـام تلاش خود را کرد تا توافق هسـته‌ای به انجام نرسد، اما مذاکرات به نتیجه رسید و معلوم شد تمام سیاست‌های آمریکا در اسرائیل نوشته نمی‌شود.

به نظر شما اگر اروپا به تعهدات برجامی خود عمل نکند، باید لوایح پالرمـو و CFT را تصویب کنیم؟

بله؛ زیـرا تصویب آنها به نفع ملت ایران اسـت و نباید آن را مشـروط به اقدامـات اروپا کنیم. درباره ماندن در برجام هم همین قاعده صادق است.

البته آقـای ظریف گفت که در خود برجام قید شده است که اگر طرف‌های مقابل به تعهداتشان جزئا یا کلا عمل نکننـد، ایران هم می‌تواند جزئا یا کلا از انجام تعهداتش سرباز بزند و این به معنای خروج از برجام نیست.

دکتر ظریف درسـت می‌گوید، زیرا اعلام اینکه ما دیگـر به برجام پاینـد نخواهیم بـود و از آن خارج می‌شویم، باعث ایجاد مشکلاتی برای ایران می‌شود. آمریـکا در دنیـا چنین جـا می‌اندازد کـه جمهوری اسـلامی به منظور ساخت سـلاح هسته‌ای از برجام خارج شده است، در صورتی که چنین قصدی ندارد. می‌دانیـد هیچ قدرتـی موافق ایران اتمی نیسـت و در صورتی که احسـاس کنند جمهوری اسـلامی به آن‌سـو حرکت می‌کنـد، جای ایـران و آمریکا عوض می‌شـود. درحال‌حاضر آمریکا تنهاست، اما اگر ما از برجـام بیرون برویم ایران منزوی می‌شـود و احتمال رفتن پرونده کشورمان به شورای امنیت و نیز احتمال بـروز جنگ بالا مـی‌رود. اکنون کشـورهای قدرتمند دنیا به ترامـپ می‌گویند اتهامی کـه آمریکا متوجه ایران می‌کـرد، تلاش برای تولید بمب اتم بود. برجام توانست این مشـکل را برطرف کند. اگر اکنون ترامپ با ایران سر ناسـازگاری دارد، ایراد از اوست، نه ایران، اما اگر از برجام خارج شـویم، افکار عمومی را علیه ما بسـیج می‌کنند و به تحریم‌های آمریکا مشروعیت می‌بخشـند. بدون‌تردید اگر ایران همچنان زیر فصل هفت منشـور ملل متحد قرار داشت، ترامپ امروز با دست به مراتب بازتری علیه ما عمل می‌کرد؛ بنابراین باید به صراحت گفت هر اقدامی که پرونده هسته‌ای ایران را بار دیگر به شـورای امنیت بفرسـتد، عملی نامقبول است.

در داخل هم اگر حتی برخی از اصلاح‌طلبان و مردم با چشم تردید به آمریکا نگاه می‌کنند به این دلیل بود که ما مذاکره کردیـم و آمریکا بدعهدی کرد. به‌عنوان بحث پایانـی بفرمایید که در مقطع کنونی مناسب‌ترین راه پیش‌روی ایران چیست و آیا هنوز می‌توان به برجام امیدوار بود؟

ما با برجام توانسـتیم چندسال از امتیازات خوبی اسـتفاده کنیـم، نفت بفروشـیم و بخشـی از اموال بلوکه‌شـده خود را پس بگیریم و به اقتصاد کشـور آرامش ببخشیم. پرونده کشـورمان از شورای امنیت خارج و تحریم‌های هسـته‌ای علیه ایران لغو شـد؛ پـس ضـرر نکردیم. اکنـون و بـا خـروج آمریکا از برجام، از لحاظ اقتصادی در شـرایط خوبی نیسـتیم که بی‌سابقه بوده اسـت. درعین‌حال بهترین شرایط سیاسـی و بین‌المللی را در دولت‌هـا و نیز در افکار عمومـی جهانی داریـم. عقل سـلیم حکم می‌کند با اسـتفاده از شـرایط مساعد سیاسـی و بین‌المللی راهبـرد لغو تحریم را در دسـتور کار خود بگذاریم و اکنون زمان اسـتفاده هرچه بیشتر و ماهرانه‌تر از ابزار دیپلماسی است.

روزنه

هادی غفاری: حکومت حق ندارد بگوید برای شکم انقلاب نکردیم

● **خبرآنلاین:** حجت‌الاسـلام هـادی غفاری، از فعالان سیاسـی اصلاح‌طلب و مبـارزان انقلابی در گفت‌وگویـی کـه با برنامه دسـتخط داشـته به سـؤالاتی درباره دوران مبـارزات انقلابی‌اش، خودکفایـی ایـران در عرصه نظامـی، تهدیدات ترامپ و... پاسخ داده است. اهم صحبت‌های وی را در ادامه می‌توانید بخوانید:

■ امروز دشـمن مـا حق دارد از ما بترسـد. ما بـه لحاظ علمی در ابزارهـای نظامی کاری کردیم کارستان! بسـیار بالا رفتیم. مجاز نیستم و اجازه ندارم حـرف بزنم و حرف هم نمی‌زنم ولی همین‌قـدر مجمل می‌گویم که امروز ایران یکی از مقتدرترین کشـورها به لحاظ ابزارهای نظامی است. ۱۰ دلار پول ما را اجازه نمی‌دهند جابه‌جا کنیم. در این شـرایط ما روی پای خود ایستاده‌ایم.

■ {در پاسخ به این سـؤال که شما از مخالفان آقای رفیق‌دوسـت بودید و اسـتیضاح کردید، به شـما مهر ضدجنگ زدند. آقای رفیق‌دوسـتی که شـما مخالف ایشـان بودید گفت مهر ضدجنگ به چه کسـی می‌زنید؟ این آدم یک پا در مجلس داشـته و یک پا در جنگ داشـته است}: چون ما با آقـای رفیق‌دوسـت، نمی‌توانم حـرف بزنم و باز کنـم. فرماندهان عالی‌رتبـه می‌دانند من چه می‌گویـم. چیزهایـی که ما آوردیم بـا هم رفتیم آوردیم. آنچه آقای هاشـمی تیـر غیب می‌گفت، اینها محصـول‌آوردن ما بود. از همـه جای دنیا آوردیـم. مـن از جمله کسـانی بودم کـه تمام تلاشـم این بـود که برویـم و خودمان بسـازیم. برویم و بسازیم.

■ همـه نهادهـای حکومتـی مـا باید رشـد متـوازن داشـته باشـند. مـردم همان‌طـور که اسـلحه می‌خواهند، نان شـب هم می‌خواهند. مردم همان‌گونه که اسـلحه می‌خواهند ازدواج بی‌دغدغه هم می‌خواهند.

■ حرفی که یکی از ائمـه محترم جمعه بیان کرد که بعد به ایشـان زنـگ زدم و اعتراض کردم که «ما برای شکم انقلاب نکردیم»، گفتم این چه حرفی اسـت بیان می‌کنید. حکومـت حق ندارد بگویـد برای شـکم انقلاب نکردیـم. مردم خود می‌توانند بگویند اما امام جمعه حق ندارد بگوید.

■ من در جاده می‌آمـدم، در اتوبان بودم، یک ماشین از من سـبقت گرفت. چنان سبقت گرفت که من وحشـت کردم. سـرعت من ۸۰ بود و آن ماشین لابد ۲۴۰ تا سرعت می‌رفت. در یک لحظه ماشین غیب شد. چند کیلومتر جلوتر دیدم پلیس جلوی این ماشـین را گرفته اسـت. انگیزه داشتم بدانم موضوع چیست. پیاده شدم. افسر به این آقا می‌گفت سرعت زیاد داشتید. گفت چقدر سرعت رفتم؟ گفت ۲۰۰ تا سـرعت داشـتید. گفت ببین آقای سـروان، دو میلیارد تومان ماشین خریدم که ۸۰۰-۷۰۰ تا برانم. با حالت مشـمئزکننده‌ای بیان کرد. افسـر گفت جریمه می‌شـوید. گفت چقدر جریمه می‌شـوم؟ گفت ۶۰ هزار تومان. گفت سه تا ۶۰ هزار تومان بنویسید.

■ انقلاب یک خطـر بزرگ پیش‌روی خود دارد و آن زمانی اسـت که انقلابیون به قدرت برسند. آن‌گاه کسـی که به قدرت رسـیده خدا و مردم را فراموش کند. شـاید من امـروز بتوانم بفهمم که چـرا امیرالمؤمنین (ع) از قدرت فرار می‌کرد. چرا می‌گویـد نمی‌آیم و نمی‌خواهـم؟ مگر قدرت بد است؟ قدرت بد نیست. «پس از قدرت» خطرناک است.

■ من با اعضای گروه فرقان قبل از انقلاب آشنا بودم. آقای گودرزی که شهید مطهری را ترور کرد، مدت‌هـا هم‌حجره من بود. روز آخری که احتمال داشت قاتل شهید مطهری را اعدام کنند من پیش او رفتـم. از بچه‌ها اجازه گرفتـم و به ملاقات او رفتم. با او سـال‌ها رفیق بودم. بچه درس‌خوانی بـود. به او گفتـم خیلی جنایت کردیـد که با این ریخت و لبـاس آقای مطهـری را زدید. گفتم در قبال این جنایات امشـب توبه و انابه‌ای کنید. دو رکعت نماز بخوانید. گفت چه می‌گویی؟! برو. بین من و فاطمه زهرا همین امشب فاصله است. من را شـما صبح بکشـید، صبح در بغل فاطمه زهرا هست.

■ هم‌بند شـریعتی بودم مفصـل. برای اینکه بتوانم شـریعتی را بیشـتر ببینم چیـزی را بهانه می‌کردم و گاهی ۱۰ بار تا ظهر دستشویی می‌رفتم، نگهبان به من می‌گفت شما تازه دستشویی بودید. می‌گفتـم مجبورم. سـلول ایشـان آخرهای بند نزدیک دستشـویی بود. این نگهبان می‌رفت دور بزنـد، ما با هـم پنج، ۱۰ دقیقـه‌ای گپ می‌زدیم. ایشان کاسه‌ای چوبی داشـت که در آن تکه‌های سـیگار بود. گفتم سیگار شـما را خواهد کشت. گفت به آنجا نمی‌رسـم که سـیگار من را بکشد، قبـل از اینکه سـیگار من را بکشـد، دیگران ما را خواهند کشت.

■ خانمی را آورده بودند و پاشـنه‌بلند داشـت و تق‌تـق راه می‌رفت. یکی گفت خانم شـریعتی شـوهرت را دیدی؟ من بلند گفتم دروغگوها این زن شـریعتی نیست، این کارمند ساواک است. چرا دروغ می‌گوییـد؟ که این خانم را زود بردند. خانم شریعتی اصلا اهل آرایش نبود. ممکن است مثل مادر من نبوده باشـد و چهـار تا موی او هم دیده می‌شد ولی محجبه و پوشیده بود.